

بازخوانی مواضع حقانی در ۴سال دوره چهارم شورا

سهم شورا در اداره تهران



محمدرضا شمس‌الدین، رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران

محمدرضا شمس‌الدین، رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران

درنظرگرفتن مصلحت، منفعت و جناح و عقیده، مورد آسیب‌شناسی قرار دهیم. در سخن از جایگاه و شان قانونی شورا همین بس که طبق اصل صدوسوم قانون اساسی استانداران، فرمانداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها، ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند، با آنکه مطابق با قانون و نگاه امام(ره) کار ویژه‌های نظارت و مقررات‌گذاری شورای شهر بر تمام دستگاه‌ها و مدیران اجرایی شهر، ساری و جاری است. معنای این اصول، حکمروایی شایسته و مدیریت یکپارچه محلی است. آیا شورای کنونی شهر تهران هیچ نسبتی با این جایگاه دارد؟ در آذر ماه ۱۳۹۵ نطقی با عنوان «اندر احوالات کمیسیون ماده پنج و شهرک قدس» داشتم که به بررسی طرح تفصیلی تهران به منظور ساماندهی و ارتقای شرایط زندگی کلان‌شهر تهران پرداختم. طرح تفصیلی ساختار پهنه‌بندی را به‌عنوان اصل محوری هدایت و نظارت برساخت‌وساز تهران به منظور جلوگیری از تداخل غیرضروری کاری‌ها و ارتقای کیفیت محیط شهری قرار داده است؛ بنابراین بر اساس مقایسه سرانه‌ها و سطوح پیش‌بینی‌های میزان خدمات موجود با میزان خدمات موردنیاز تطبیق داده می‌شود و قاعدتا بر اساس این مقایسه و با توجه به استانداردها، سهمی از مساحت در عرصه و بنا به کاربری‌های مورد نیاز اختصاص می‌یابد. اما در عمل شاهد هستیم ساختارهای اقتصادی، قیل از رونمایی طرح تفصیلی این پهنه‌ها را شناسایی و به تملک درآورده‌اند. سپس با توجه به سودآوری کاربری تجاری، بخش عمده این اراضی به‌تدریج بدون توجه به تأمین خدمات زیر سیطره ساخت‌وساز تجاری، خارج از نیاز و اولویت قرار گرفته است. سهم سرانه‌های تجاری در شهر تهران به خوبی این موضوع را روشن می‌کند. در این میان، سکوت و همراهی کمیسیون ماده پنج نیز جای تعجب و سوال دارد. برای اثبات این مدعا مواردی را به‌روشنی در شهرک قدس برای افکار عمومی در این نقط به نمایش گذاشتم. در تمام دوره شورای چهارم تلاش کردم تخصصی عمل کنم و از حواشی سیاسی به دور باشم؛ چراکه معتقدم این شهر با این حجم معضلات چاره‌ای جز گزاره تخصص‌گرایی علاج درد آن نخواهد بود. امیدوارم در شورای پنجم وزن تخصص به هر ترکیب دیگری بچرید.

و مجموعه مدیریت شهری صورت گیرد. محتوای این دگرگونی چیزی جز بازگشت به «متن و محتوای قانون» نیست؛ اگر قانون از نگاه شهروندی و قانون‌گذار قرائت و اجرا شود، محصول شهر کنونی نخواهد بود. «دگرگونی بزرگ مطرح شده»، مستلزم بازنگری رفتار مدیریتی با شهر است. اگر به جای اجازه ساخت‌وساز با سطح اشتغال اسمی ۳۰ درصد مساحت زمین در باغات تهران، در آن زمان شورای شهر تکلیف به تأمین آب خام برای باغات و در صورت عدم همراهی مالک، تملک باغ و تبدیل آن به پارک عمومی در شهر تهران می‌کرد؛ اکنون ضمن اجرای قانون، ما در چه وضعیتی بودیم؟ آیا با وجود جمعیت روزانه ۱۰٫۵میلیون نفری، تنها و تنها هزارو ۵۶۴ پارک عمومی با سرانه ۲٫۵ متر داشتیم. این الزامات قانون است که باور من را عمیق‌تر می‌کند که دگرگونی بزرگ جز بازگشت به قانون در مدیریت شهری نیست. باور کنید دگرگونی بزرگ ما بازگشت به واژه‌به‌واژه قانون است، به‌گشت فضای زیستی شهر در گرو قرائت دقیق قانون است. نکته فاجعه‌آمیز‌تر و مهمی که مغفول مانده، این است که دوستان شورا باید توجه کنند متأسفانه زمانی که این مصوبه برج باغ از سوسی شورای اسلامی شهر در سال ۸۲ و ۸۳ تصویب و به شهرداری ابلاغ شد، تراکم ملاک عمل املاک در تهران ۲۴۰ درصد (چهار طبقه با ۶۰ درصد سطح اشغال) بود که با احتساب یک طبقه تشویقی، حداکثر یک برج ۹ طبقه می‌شود؛ این درحالی است که اکنون در طرح تفصیلی جدید شهر تهران با پهنه‌هایی روبه‌رو هستیم که تا ۴۴۰ درصد تراکم و بیشتر را شامل می‌شوند و عملاً با اعطای یک طبقه تشویقی مصوبه فوق، تعداد طبقات تا بیش از ۱۵ طبقه نیز می‌رسد. (که البته بعد از این نطق این رویه تا حد قابل‌توجهی اصلاح شد).

در شهریور سال ۱۳۹۴ در نطقی با عنوان «عهد ما با مردم این نبود» تأکید داشتم ضروری است یک بار هم که شده دستاوردهای خود را در پیشگاه خدا و مردمی که وکالت آنها را در اداره کلان‌شهری مانند تهران بر عهده داریم، در محک قضات و آرایزایی قرار دهیم و اثربخشی و کارآمدی نهاد شورای اسلامی شهر تهران را در روند تصمیم‌سازی‌ها و اداره امور شهر، واکاوی کنیم و دلایل وریشه‌های توفیق و عدم توفیق شورا را در دستیابی به اهداف و وظایفش، بدون

بانکی غیرمجاز قرار داشته است. قاعدتا سهم عمده این منابع، در جریان ساخت‌وسازهای تجاری و اداری بزرگ‌مقیاس و خراج از ضوابط و قوانین شهرسازی جریان دارد و این ساختارهای غیرقانونی تلاش می‌کنند نسبت به تغییر کاربری باغات و اراضی سبز تثبیت‌شده دربار به‌جریان‌انداختن ساخت‌وساز برای سوداگری و بورس‌بازی تجاری اقدام کنند. مشاهدات تجربی و عینی نشان می‌دهد میزان درخور توجهی از ساخت‌وسازها در کلان‌شهرها و به‌ویژه شهر تهران، به انحای گوناگون، ازسوی بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی صورت می‌گیرد. اغلب برج‌های بلندمرتبه تجاری نام و نشانی از بانک‌ها را با خود به همراه دارند. امروزه کمتر بنای بلندمرتبه در تهران یافت می‌شود که بانک‌های دولتی و خصوصی از یکی از عناوین سازنده، مشارکت‌کننده، کارفرما یا پیمانکار در احداث آن حضور نداشته باشد. این حجم گسترده ساخت‌وسازها و تملک اموال غیرمنقول ازسوی بانک‌ها یا شرکت‌های وابسته این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا بانک‌ها و شرکت‌های وابسته از نظر قانونی مجاز به ساخت‌وساز، تملک اموال غیرمنقول در کلان‌شهرها، احداث مجتمع‌های تجاری و مسکونی عظیم و امثالهم هستند یا خیر؟

در مرداد ۹۴ نطقی با عنوان قرائت قانون راهبرد صیانت از باغات و فضای سبز شهر تهران در صحن شورا قرائت کردم که اهم آن را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد. برداشتم این بود که شاید نگاه صحیحی از روح قانون دراین باره وجود نداشته باشد؛ بنابراین این نطق را از منظر کلان تهران در حوزه سرانه‌های فضای سبز با این محورها انجام دادم:

در شرایطی که سهم جمعیتی شهر تهران از جمعیت شهری کل کشور بالغ بر ۱۹ درصد برآورد می‌شود و از طرف دیگر مطابق با آمارهای رسمی بیش از ۱۵ درصد از کل آلاینده‌های منتشرشده در سطح ایران در شهر تهران انتشار می‌یابد، «بازنگری ساختاری در رفتار و کارکرد مدیریت شهری را الزامی گریزناپذیر کرده است». واقعیت این است تجربه چندین ساله شخصی و فهم عام از تجربه مدیریت شهری ملی و بین‌المللی، بر این باور استوارم می‌کند که «دگرگونی بزرگی» در شرایط کنونی لازم است و شروع این دگرگونی باید از شورای اسلامی شهر



محمدرضا شمس‌الدین، رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران

محمدرضا شمس‌الدین، رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران

به چشم چه کسی می‌رود؟ ما به‌عنوان شورای شهر تهران واقعیت مجموعه بدهی‌های بانکی و دیون پیمانکاران شهرداری را به صورت فنی و کارشناسی نمی‌دانیم. هزینه تمام‌شده پروژه‌ها در یک طیف ارائه می‌شود و هرکس یک عدد می‌گوید (نمونه پروژه صدر نیایش) این با شفافیت مغایرت دارد. این فرایندها با استانداردهای بین‌المللی تناقض دارد.

در نطق دوم که در تیرماه ۹۴ انجام شد با عنوان «محیط زیست تهران قربانی سرمایه‌گذاری بانک‌ها» بر موارد ذیل تأکید داشتم: نقش بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری در اقتصاد هر کشوری بسیار حیاتی بوده و به همین دلیل برنامه‌ریزی صحیح توزیع منابع از سوی مسئولان اقتصادی و نظارت دقیق و مستمر با استفاده از تکنیک‌های کارآمد بر عملکرد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ضروری است. در بند ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی ۳۰ بهمن ۱۳۹۲ مقام معظم رهبری به صراحت بر «شفاف‌سازی اقتصادی و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های افساد در حوزه‌های پولی و تجاری و ارزی» تأکید مؤکد شده است.

طبق استانداردهای بین‌المللی و ضوابط و مقررات بانکی در کشورهای پیشرفته، بانک‌ها مجاز به فعالیت غیربانکی نبوده و نمی‌توانند از منابع مردم برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های اقماری خود استفاده کند. سرازیرشدن منابع بانک‌ها به شرکت‌های زیرمجموعه یا اقماری آنها، ضمن مغایرت با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغی مقام معظم رهبری در نهایت منجر به اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود.

دامن‌زدن به سوداگری در زمین و ساختمان، مجتمع‌های تجاری، ارز و طلا و فعالیت‌های غیرمولد دیگر کم‌ریسک و سودآور، منجر به متوقف‌شدن بخش‌های مولد اقتصاد مانند صنعت و کشاورزی به علت کمبود نقدینگی، ازبین‌بردن جاذبه فعالیت‌های اقتصادی مولد و مورد نیاز جامعه، توسعه فعالیت‌های غیرمولد و درنهایت دامن‌زدن به رکود اقتصادی جامعه می‌شود. بنا به گزارش منتشرشده رئیس‌کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر سیف در تیرماه ۱۳۹۴، یک چهارم کل نقدینگی کشور در اختیار مؤسسات پولی و

شاهد مثال این نارسایی مجتمع تجاری کورش در اتوبان ستاری بین بزرگراه همت و حکیم است که هر سه بزرگراه را در آن محدوده قفل کرده است.

صدها سرای محله به نام جلب مشارکت مردم در کاربری‌های غیرفرهنگی و به‌ویژه در کاربری‌های سبز احداث می‌کنیم، درحالی‌که در هر محله شهر تهران چندین مسجد و حسینیه وجود دارد و سالانه میلیاردها تومان بابت آنها پول تصویب می‌کنیم، بدون آنکه چاره‌ای برای استفاده فرهنگی برای آنها اندیشه کنیم. عدم ارتباط سرای محله با فرهنگ‌سراها جای خود دارد و قصه مفصل دیگری است. نسبت این تشکیلات با منتخبان مردم در محلات یعنی شوراباری‌ها چیست؟ هیئت‌امانی تحمیلی به منتخبان محلات محصول چه فرایندی است؟

برای صدها باغ چندین‌ساله به نام حقوق مکتسبه و مغایر با دیدگاه رهبری اجازه تخریب می‌دهیم و سالانه میلیاردی پول برای خرید نهال، درختچه و گل «و آن هم کل لاله» تصویب می‌کنیم، بدون آنکه فکر کنیم که برای تبدیل چند نهال به درختانی ۵۰ساله، میلیون‌ها تومان در آینده باید هزینه کنیم. سرانه تنها با نهال‌تعریف نمی‌شود با عرصه و زمین محاسبه می‌شود. کدام زمین در تهران باقی مانده که نهالی در آن کاشته شود؟

با اینکه سال‌هاست پسماند در اکثر شهرهای جهان؛ یک فرایند درآمزا شده است، ما سالانه بالغ بر ۵۰۰ میلیارد تومان پول برای مدیریت و دفن آن تصویب می‌کنیم. حال آنکه در چارچوب قانون اجازه این کار را نداریم و همچنین بخش خصوصی هم آمادگی این سرمایه‌گذاری را دارد. این فهرست صدها مورد و شاهد دیگر دارد که از آنها می‌گذرم.

فقط لازم است بیان کنم تقصیر اصلی این نارسایی‌ها صرفاً بر عهده شهرداری نیست بلکه شورای شهر این اتفاقات را مصوب می‌کند. همگی می‌دانیم ایرادات حسابرسان منتخب شورای شهر درخصوص وضعیت مالی به‌ویژه در بخش مصارف قابل تأمل توجه است ولی با یک برخورد سطحی از آنها عبور می‌کنیم و حاضر به اصلاح آنها نیستیم. بدتر آنکه این‌گونه تذکرات را با سیاسی‌کاری از رویه حقوقی و قانونی خارج می‌کنیم و غافل از آن هستیم که دود این اقدامات غیرکارشناسی ما غیر از مردم

ادامه از صفحه اول
در اولین نطق که در تیرماه ۹۳ انجام دادم، با عنوان «اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل می‌خواهد نه شعار و نمایش» سعی کردم روی نظام هزینه‌ای شهرداری با موارد ذیل متمرکز شوم.

اولین مورد عدم تداوم روند کنونی و ضرورت تحول ساختاری در نظام تأمین درآمد شهرداری تهران است؛ ماده ۱۷۴ قانون برنامه توسعه پنجم کشور شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها را مکلف کرده است تا پایان سال اول آن برنامه، نسبت به تدوین نظام درآمد‌های پایداری شهرداری‌ها اقدام کنند، همچنین این ماده قانونی تأکید دارد مدیریت شهری نسبت به تغییر در شیوه و اخذ عوارض بر املاک به عوارض ناشی از مصرف و خدمات عمل کند.

بعلاوه شورای شهر در چارچوب این قانون باید نسبت به تقویت سازوکارهای نظارت بر هزینه‌کرد شهرداری و برون‌سپاری وظایف قابل واگذاری و هدایت به سمت هزینه‌کرد در حوزه اصلی و وظایف قانونی اقدام کند، اما هیچ‌گاه مدیریت شهری تهران در این خصوص اقدام عملی و اجرایی نداشته است. به عبارت روشن پنج سال فرصت اصلاح و بازنگری سازوکار تأمین درآمد شهرداری تهران از دست رفته است. امروز عوارض آینده شهر را می‌گیریم، تراکم می‌فروشیم و حتی پیش‌فروش می‌کنیم و همان روز مصرف می‌کنیم، پس آینده و فردای این شهر چه می‌شود؟

مسئله دوم اصل محوری رشد بهره‌وری در نظام مدیریت اقتصادی و مالی شهرداری تهران است. بند سوم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین بند سوم سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف بر ارتقای رشد بهره‌وری در نظام اقتصادی ملی و محلی تأکید دارد. شورای اسلامی شهر تهران در تاریخ دوم مردادماه ۱۳۹۰ با تصویب و ابلاغ مصوبه «سنجش و ارتقای بهره‌وری در شهرداری تهران» تکالیفی برای شهرداری منظور کرده است اما متأسفانه این مصوبه در کنار صدها مصوبه دیگر خاک می‌خورد.

این موضوع را با چند مثال روشن می‌کنم؛ ما در سنوات گذشته صدها پروژه را شروع و تکمیل کرده‌ایم، ولی واقعاً برای کارآمدی آنها فکر نکرده‌ایم. صدها پروژه تجاری بزرگ‌مقیاس در اتوبان‌ها احداث کرده‌ایم،

رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران می‌گوید: میدان ولیعصر (عج) را باید از ارتفاع و با هلیکوپتر یا با مام ساختمان‌های چند طبقه مشاهده کنیم تا متوجه شویم آن پایین چه خبر است و چه اتفاقی در این میدان رخ داده.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین؛ شهرداری تهران، جمعه، ۲۰ اسفند ۹۵ سازه زیرزمینی وسط میدان ولیعصر را افتتاح کرد. سازه‌ای که نام «ایوان انتظار» را برایش انتخاب کرده‌اند. مدیران شهری به این ساختمان، پلازا می‌گویند و کسبه اطراف، نامش را پاساژ گذاشته‌اند.

به‌رحال هفت طبقه است، ورودی اصلی ایستگاه میدان ولیعصر در خطوط سه و شش است و البته شهرداری فضایی را به فعالیت‌های فرهنگی اختصاص داده. این در حالی است که واحدهای تجاری هم در این سازه زیرزمینی پیش‌بینی شده است. شهرداری تهران گفته با این پروژه اولویت را به پیاده‌ها داده. معاون شهردار گفته است: «پلازا به میدانی که جهت تسهیل عبور و مرور و استفاده بهتر از محیط شهری ساخته شده، گفته می‌شود. این بنا دعوت‌کننده مردم است و معماری آن سادگی، بی‌تکلفی و درعین‌حال خلوص و زیبایی را القا می‌کند».و البته شهردار هم گفته: «این میدان با افتتاح ایوان انتظار یک فرصت بزرگ اجتماعی و فرهنگی را در تهران فراهم می‌کند. به‌این‌ترتیب مترو از حالت صرف حمل‌ونقلی خارج و ایستگاه‌های آن مخصوصاً ایوان انتظار میدان ولیعصر (عج) به یک مرکز اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود که این فضا می‌تواند محل برپایی نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های هنری باشد».

اما محمد حقانی، رئیس کمیته محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران، انتقادات تندى به این ساختمان زیرزمینی دارد. او دراین‌باره به خبرآنلاین می‌گوید: پلازا، یک فضای باز عمومی است

انتقاد از شهرداری درباره پلازای ولیعصر

باید با هلیکوپتر رفت بالا و دید در وسط میدان ولیعصر چه خبر است!

اقدام استنباط و به ذهن متبادر می‌شود، آن است که در اجرای پروژه‌های شهری، سواره‌ها مقدم بر پیاده‌ها هستند.

او گفت: در شهر شلوغ و متراکم تهران، چاره‌ای نداریم جز آنکه نسبت به توسعه زیرسطحی اقدام کنیم. نکته‌ای که دراین‌میان وجود دارد، آن است که توسعه زیرسطحی باید با هدف انتقال بخشی از حمل‌ونقل سواره به زیرزمین باشد تا حرکت پیاده بر روی زمین در جریان باشد، نه اینکه عابران پیاده را به عمق زمین منتقل کنیم.

تهران؛شهر سواره‌هاست، نه پیاده‌ها

رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران با اشاره به تعریف پلازا گفت: با توجه به تعریف پلازا به‌عنوان یک فضای فراخ و مفرح شهری، سازه میدان ولیعصر(عج)بیشتر یک گذرگاه زیرزمینی به منظور دسترسی عابران پیاده است. در اجرای پروژه‌های شهری، باید توجه داشته باشیم‌که ایجاد ارتباط معنادار میان فضای روسطحی و زیرسطحی بسیار مهم است و این نکته موضوعی است که در میدان ولیعصر(عج)مورد توجه قرار نگرفته است. حقانی معتقد است: هدایت عابران پیاده به زیر زمین، برای اینکه خودروها به سرعت و سهولت از روی زمین عبور کنند، نه‌تنها نسبتی با مؤلفه‌های شهر انسان‌محور ندارد؛ بلکه ویژگی شاخص شهر خودرومحور محسوب می‌شود، به شهری که خودروها در پیاده‌روها و کوچه‌پس‌کوچه‌های آن پارک می‌کنند و موتورسیکلت‌ها بی‌محابا از لابه‌لای عابران پیاده در پیاده‌روها

رد می‌شوند و شهروندان پیاده در آن نه هنگام عبور از عرض خیابان امنیت دارند و نه هنگام عبور از طول پیاده‌رو، جز شهر خودرومحور چه نام دیگری می‌توان گذاشت؟

او می‌گوید: پیامی که از انتقال پیاده‌ها به زیر زمین، نه‌تنها به متخصصان امور شهری بلکه به هر ناظر آگاهی منتقل می‌شود، این است که «تهران؛ شهر سواره‌هاست، نه پیاده‌ها». تردد انبوه خودروها و استفاده روزافزون از خودروی شخصی، ازدیاد مصرف سوخت، تشدید تراکم ترافیک و افزایش آلودگی هوا ازجمله آثار و پیامدهای شهر خودرومحور است.

برای خودروها «فرش قرمز» پهن می‌کنند

رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران با کنایه می‌گوید: میدان ولیعصر(عج) را باید از ارتفاع و با هلیکوپتر یا از بام ساختمان‌های چند طبقه مشاهده کنیم تا متوجه شویم آن پایین چه خبر است و چه اتفاقی در این میدان رخ داده. وقتی سازه‌ای در میدان مرکزی شهر قرار دارد؛ اما نمی‌تواند با شهروندانی که از همان محل رفت‌وآمد می‌کنند، ارتباط و تعامل برقرار کند، این امر نشان می‌دهد که ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در معماری آن نادیده گرفته شده است. او می‌گوید: شهر انسان‌محور، شهری نیست که در آن عابران پیاده را به زیر زمین منتقل کنیم؛ اما برای خودروها «فرش قرمز» پهن کنیم. به اختصاص فضای هم‌سطح نیز و به‌سرعت رفت و آمد کنند، به اختصاص فضای هم‌سطح نیز به آنها اکتفا نمی‌کنیم و برای آنها بزرگراه طبقاتی نیز احداث می‌کنیم. به گفته حقانی، انتقال پیاده‌ها به فضای منهای یک و پایین‌تر و در مقابل هدایت سواره‌ها به فضایی به علاوه یک در شهر تهران، متأثر از نوع نگرش و نشان‌دهنده رویکردی است که به افراد پیاده به‌عنوان «شهروندان درجه‌دو» و به افراد سواره به‌عنوان «شهروندان درجه‌یک» نگاه می‌کند.